

گزارش خواندنی شهید باقری نخستین خبرنگار حاضر در صحنه حادثه طیس

از هواپیمای 330 که چهار موتور است، جز تل خاکستر و آلومینیوم‌های ذوب شده که در سطح کویر روان شده بود چیزی باقی نمانده بود.



شهید #171'حسن باقری' در گزارش خود از واقعه طیس می‌نویسد: از هواپیمای 330 که چهار موتور است، جز تل خاکستر و آلومینیوم‌های ذوب شده که در سطح کویر روان شده بود چیزی باقی نمانده بود. پنج جسد سوخته خلبانان آمریکایی را در لابلای لاشه هواپیما مشاهده کردیم؛ هلی‌کوپتری هم که به این هواپیما برخورد کرده بود متلاشی شده که مسلماً خلبانانش به درک واصل شدند.

به گزارش خبرنگار ایثار و شهادت باشگاه خبری فارس #171'توانا'، اردیبهشت 1359، حکایت از یک واقعه است؛ واقعه‌ای که شاید کمتر به آن توجه شده یا با کم لطفی آفرینندگان اثر فرهنگی هنری مواجه بوده است؛ اما در زمان شکست مفتضحانه کارتر و وقوع حادثه طیس، جوانانی از این مملکت از جمله شهید #171'حسن باقری' در صحنه حاضر شدند تا این واقعه را در تاریخ پیروزی‌های حق بر باطل ثبت و ماندگار کنند. حالا حسن باقری‌ها کجا هستند که شکست‌های پی‌درپی استکبار در مقابل جهان اسلام را به تحریر و تصویر بکشند!!

این گزارش، همان گزارشی است که شهید #171'حسن باقری' به عنوان نخستین خبرنگار اعزامی جمهوری اسلامی به طیس، این واقعه را در روز شنبه تاریخ 6 اردیبهشت 1359 مصادف 10 جمادی‌الثانی 1400 در شماره 261 به نگارش درآورده است.

* شهید #171'حسن باقری' و #171'بهرام محمدی‌فرد'؛ نخستین خبرنگاران حاضر در طیس

منطقه فرود هواپیماها و هلی‌کوپترها محلی است در فاصله حدود 270 کیلومتری یزد و 160 کیلومتری طیس و حوزه ژاندارمری بیرجند پاسگاه رباطخان در 40 کیلومتری این نقطه واقع است.

دیروز صبح در 2 کیلومتری محل فرود هواپیما و اولین گروه سربازان ژاندارمری برخوردیم که محافظت منطقه را برعهده داشتند. در کنار تانکری که توسط مزدوران کثیف آمریکایی به آتش کشیده شده بود به نگرهبانی مشغول بودند؛ افسر فرمانده این گروه به ما گفت که مزدوران آمریکایی سوار بر یک موتور ترل جلوی این تانکر، مواد سوختی را گرفتند و حتی به راننده اجازه برگشت هم ندادند و در عوض تانکر او را به گلوله بستند که در نتیجه تانکر منفجر و به آتش کشیده شد و راننده هم از ناحیه سر آسیب دیده است که برای مداوا به یزد اعزام گردیده و باقیمانده سوخت تانکر حاکی از شعله و حرارت بیش از حد و اندازه آن می‌باشد.

تنها چیز سالمی که ما از این تانکر دیدیم، نمره جلوی آن بود و دیگر هیچ چیز سالمی دیده نمی‌شد. حادثه به اندازه‌ای بود که فزهای عقب ماشین و حتی شاسی اصلی ماشین را نیز کج کرده و در این بین فرمانده حفاظت منطقه که یک سرگرد نیروی زمینی لشکر خراسان بود، برای بازدید به این محل آمد و وقتی که فهمید ما خبرنگار هستیم و از تهران آمدیم، متذکر شد که این منطقه توسط مزدوران آمریکایی مین‌گذاری شده و رفتن برای تهیه عکس و گزارش خطرناک است اما وقتی با اصرار ما روبرو شد، قبول کرد که خود نیز همراه ما بیاید و راهنمایی کند. ما نیز متوجه شدیم که اولین گروه خبرنگار و عکاس هستیم که برای تهیه گزارش از این جنایت فضاحت‌بار کارتر به منطقه آمده‌ایم.

* افشاگری شهید باقری از اقدامات ضدامنیتی آمریکا در طیس

فاصله محل سوزاندن تانکر تا محل سقوط هواپیما حدود یک و نیم کیلومتر بود؛ از دور فقط 2 هلی‌کوپتر به چشم می‌خورد و 2 تا 3 تا پره که عمودی نیز در زمین فرو رفته بودند. جلوتر که رفتیم فرمانده حفاظت منطقه توضیح داد که این نقطه جزو نقشه‌ای بوده است که در زمان رژیم طاغوت قرار بود، فرودگاه شود و چون این نقشه‌ها توسط همین آمریکایی‌ها طرح‌ریزی شده لذا مختصات این منطقه را داشته‌اند و قبلاً هم از این محل برای صدور اورانیوم‌های استخراج شده از منطقه به آمریکا استفاده می‌کردند. باید متذکر شد که منطقه فرود هلی‌کوپترها، منطقه‌ای از کویر به صورت دشت باز و گسترده به وسعت بیش از 10 کیلومتر مربع با میدان دید وسیع که گنجایش فرود هواپیما و هلی‌کوپترهای زیادی را دارا است.

سرگرد فرمانده نظارت منطقه، ادامه داد که آمریکایی‌ها حساب همه چیز را کرده بودند. اما از آنجا که پشتیبان ملت، خداوند متعال است، سطح کویر شنی بوده و تمام نقشه‌های آنها را برهم ریخت.

نیروی دریایی آمریکا در منطقه بود که هنوز منفجر یا منهدم نشده بود و فقط بعضی از چرخ‌هایش در شن فرو رفته بود. دکه این دو هلی‌کوپتر یکی در سمت راست جاده و دیگری در سمت چپ قرار داشت. هلی‌کوپتر دیگری در سمت چپ جاده سوخته و متلاشی شده بود و علاوه بر این هلی‌کوپترهای سالم یک هلی‌کوپتر هم با هواپیما 330 آمریکایی تصادف کرده بود و هر دو آتش گرفته بودند و خود این حادثه باعث عقیم ماندن تلاش‌های کارتر دیوانه شده بود. البته راجع به علت تصادف هواپیمای 330 و هلی‌کوپتر، احوال گوناگونی نقل می‌شود.

از هواپیمای 330 که چهار موتور است، جز تل خاکستر، آلومینیوم‌های ذوب شده که در سطح کویر روان شده بود چیزی باقی نمانده بود. پنج جسد سوخته خلبانان آمریکایی را در لابلاي لاشه هواپیما مشاهده کردیم که عبارت بودند از خلبان و خدمه هواپیمای 330. هلی‌کوپتری هم که به این هواپیما برخورد کرده بود متلاشی شده بود که مسلماً خلبانانش به درک واصل شدند.

* آمریکایی‌ها حتی وقت نکردند فشنگ‌ها را بردارند

نکته قابل توجه اینکه جعبه سیاه هواپیمای 330 که حافظه مختصات پرواز جهت و مسیر پرواز بوده در محل بین سوخته‌های لاشه هواپیما موجود بود و از این جعبه می‌توان کاملاً مطمئن شد که این مزدوران از کدام يك از پایگاه‌های کشورهای مزدور آمریکا در منطقه پرواز کرده است.

مقدار زیادی پوک‌های شلیک شده 16 - 88 را مشاهده کردیم و فانوسقه‌های زیادی روی زمین پخش بود که در هر کدام از اینها فانوسقه‌ها، بمب و دو جافشنگی m-16 که در هر کدام سه خشاب 20 تیری m-16 وجود داشته است و آمریکایی‌ها حتی وقت نکرده بودند که این فشنگ‌ها را همراه خود ببرند و در محل رها کرده و فرار کردند.

گفته می‌شد که کنار هر وسیله مقداری مواد منفجره گذاشتند و ما دوربین اسلحه‌های زاویه سنج سنگین را دیدم که کنار آنها جعبه مواد منفجره آماده انفجار قرار داشت و این بسیار خطرناک بود.